

پزشکی که در جراحی و انسانیت رکورد دار است

برنامه «بدون تعارف» صداوسیما، این هفته میزبان جراحی ۴۸ ساله از تبریز بود که تا امروز هزاران عمل چشم را برای نیازمندان رایگان انجام داده است.



دکتر بهنام غفارزاده ۱۵ سال است که جراحی چشم را در تبریز آغاز کرده و تا امروز حدود چهار هزار عمل انجام داده که رکورد بالایی به شمار می رود. او علاوه بر این رکورد در کار خیر هم رکورد خوبی دارد به گونه ای که عمل چشم برای افراد نیازمند و کم توان مالی را به صورت رایگان انجام می دهد که تعداد آن تا امروز به حدود سه هزار عمل جراحی رسیده است.

دکتر غفارزاده در برنامه بدون تعارف به بخش هایی از فعالیت هایش اشاره کرده که متن آن به شرح زیر است:

مجری: آقای دکتر خیلی ممنون که پذیرفتید ما در خدمت شما باشیم

مهمان: خیلی ممنون از دعوت شما به برنامه خوبتان

مجری: اهل کجایید؟

مهمان: من اهل تبریز هستم

مجری: چند سالتان هست؟

مهمان: ۴۸ سالم هست

مجری: چه پزشکی هستید؟

مهمان: من جراح چشم پزشک هستم

مجری: چند سال است که پزشک هستید؟

مهمان: حدود ۱۴-۱۵ سال است که پزشک هستم

مجری: از چه خانواده ای هستید؟

مهمان: خانواده ما یک خانواده کارمندی بود پدرم کارمند راه آهن بود و در آن خانواده بزرگ شدیم.

مجری: خواستیم در بدون تعارف خدمت شما باشیم به دلیل اینکه پزشک موفق هستید، تعداد عمل های شما در این ۱۴-۱۵ سال به چند تا رسیده است؟

مهمان: حدوداً ۴۰ هزار تا عمل داشتم که ۲۰ هزار تا از آن فقط در بیمارستان های دولتی بوده و ۲۰ هزار تای دیگر بیمارستان های دولتی و نظامی و صحرایی بود.

مجری: ۴۰ هزار تا عمل جراحی چشم مثلاً بیشترین تعداد عملی که در یک روز داشتید به چندتا رسیده؟

مهمان: یک روزی مجبور شدیم که یک اتفاقی بود مجبور شدم ۶۷ تا عمل کنیم، بیمارستان صحرایی بود و مجبور شدیم ۶۷ تا عمل در یک روز انجام دهیم از ساعت ۸ صبح شروع

کردیم تا ساعت ۱۲ شب اما چون کار مالی نبود و پولی در کار نبود بازم انرژی داشتیم و خود مریض ها هم به ما روحیه می دادند.

مجری: می خوام برم سر این موضوع شما با حدود ۴۰ هزار تا عمل جراحی خیلی از این عمل ها را رایگان انجام دادید.

مهمان: فکر کنم سه - چهار هزار تا رسیده باشه.

مجری: یعنی هیچ دستمزدی و هیچ چیزی نگرفتید.

مهمان: خیلی هاشون را هم هزینه هاشون را هم باید بدیم، هزینه ماشین شان را بدیم، هزینه بیمارستان را بدیم، خودمون اتوبوس می گیریم ایاب و ذهاب شان را پرداخت می

کنیم و میاریم به تبریز، بیمارستان دولتی و یا خصوصی عمل شان می کنیم.

مجری: بدون هزینه عمل شان را انجام می دید برمی گردند؟

مهمان: بله عینک هاشون رو هم همون جا می دهیم عینک رایگان برای هر کسی که لازم دارند.

مجری: چند هزار تا عینک رایگان دادید؟

مهمان: فکر کنم ۱۰ هزار تا یا ۲۰ هزار تا بشه، باید غذاشان را بدهیم ایاب و ذهاب شان همه چیزشان را بدهیم، باید عزت و نفس اون فرد باید حفظ بشه عزت نفس خیلی مهم

است، قرار نیست برای کسی کاری کنیم منت بزاریم، وظیفه ما است تفاوت ندارد اون مریض که رایگان عمل می کنیم با یک فامیل درجه یک تفاوت بزاریم، در لنز چشم و در عمل

جراحی کردن و یا در تخت بستری اش و در نوبتش یعنی باید بهتر هم باشد اگر غیر از این باشد یعنی هیچ...

مجری: آقای دکتر چی شد که رفتید به سمت این کار ارزشمند چند هزار عمل چشم رایگان.

مهمان: وظیفه ما در مقابل جامعه است خوب ما کجا درس خواندیم کجا زندگی کردیم از کجا چشم پزشک شدم از پول همین جامعه مردم ممکن بود من جای اون فقیری باشم

یا اون نیازمندی باشم که نیاز داشته جامعه یک جوری شده که ما شدید چشم پزشک پس وظیفه ما من جز وظیفه چیز دیگری نمی بینم و باید توفیق باشد به آدم خدمت

کردن.

مجری: این چند هزار نفری که عمل کردید اگر پول می گرفتید چقدر می شد؟

مهمان: پولش را گرفتیم دیگه مگه همش پول مادی باشد معنوی هم هست از یک جای دیگه خدا می رسونه.

مجری: شده دکتر از کارت خودش بکشه برای مریض ها خرج کند؟

مهمان: بله الان دست بیمارستان است و هزینه ای باشد برای مریض انجام می دهند.

مجری: یکسری تصاویر و عکس و فیلم از شما دیدم که رفتید به مناطق محروم جاهایی که شاید واقعاً به هر دلیلی نتوانستند سراغ یک چشم پزشک بروند. رفتید آنها را ویزیت

کردید ماجرای اون چی هست؟

مهمان: آنها واقعاً یک لذت دیگه ای دارد وقتی نمیری آدم فکر می کنه به چیزی از دست داده، اصلاً منت نداره آدم به چیزی اضافه می شود براش. ما یک بار رفتیم سیستان و

بلوچستان زرباد از چاربهار 100 کیلومتر این ورتر بود، رفتیم ویزیت کردیم فکر کنم 40-50 تا عمل می خواستند رفتیم عمل کردیم، آخرین مریض مان فکر کنم ساعت 2 شب شد، چون همان جا که وسایل گذاشتیم بعد همشون را بی حسی عمل کردیم، بدون بیهوشی چون وسایل اتاق عمل کامل نبود و خطرناک بود و یک مریض بود 105 سالش بود یک پیرمرد خیلی کیف داد.

مجری: شد در این مناطقی که میرید برای ویزیت رایگان و جراحی کسی بوده باشد که اینقدر نرفته به پزشک به هر دلیلی بینایی اش را از دست داده باشد؟

مهمان: یک نفر را عمل کردیم بعد نوه اش پیشش بود بعد که چشمش رو باز کرد نوه اش گفت پدر بزرگ حالت خوبه بعد گفت این کیه من تو را نمی شناسم 5-6 سال آب مروارید چشمش را عمل نکرده بود دید نداشت نوه اش را نمی شناخت.

مجری: ادامه گفتگویمان را با مهمان بزرگوار می که به ما اضافه می شود انجام دهیم آقای دکتر شما معرفی کنید.

مهمان: خانم من خانم دکتر رویا باقرنژاد متخصص قلب هستند.

مجری: چند ساله زندگی مشترک دارید؟

همسر مهمان: 18 سال

مجری: چند فرزند؟

همسر مهمان: 2 تا فرزند دارم

مجری: آقای دکتر همسرتان با شما همراه هستند؟

مهمان: فکر کنم از همراهی بیشتر هستند چون من یک قسمت از درآمد را واقعیتش که وظیفه مان است هزینه می کنیم برای دیگران، خانم دکتر کل هزینه اش را. کارتش اصلا دست خودش نیست کارت های پولش دست یک نفر دیگه است واسه کارهای خیری که انجام می دهند، یعنی کل درآمدش را وقف کار خیر کرده است.

مجری: مطب هم دارید؟

همسر مهمان: بله

مجری: کارت های بانکی شما دست چه کسی هست؟

همسر مهمان: دست پدرم

مجری: کار خیرشون چه چیزها هست؟

همسر مهمان: در حال بازسازی یکی از مساجدهای شهرمان هستند که از نو دارن می سازند.

مجری: پدر چه شغلی دارند؟

همسر مهمان: نظامی هستند در ارتش امیر هستند، پدر من تقریباً نزدیک 100 ماه یعنی بیشتر از کل جنگ جبهه داشتند یعنی چطور یعنی قبل و بعدش در مناطق جنگی هم تا زمانی که کامل مرز پاک سازی شود حضور داشتند.

مجری: چرا بعضی ها نمی توانند بگذرند از مال دنیا؟

همسر مهمان: چون شیرینی کار را نچشیدند، باید وارد گود بشی شیرینی کار را بچشی اون موقع دیگه نمی توانی ول کنی، اون موقع وقتی مریضی پول نداشته باشد نمی توانی بگی من جراحی تان نمی کنم چون پول نداری چون می بینی یک نفر از اون بالا می بیند یک نفری که تمام زندگی، تمام سلامتی را مدیون ایشان هستید

مجری: سبک زندگی تان چطور است؟

همسر مهمان: 18 سال است که زندگی کردیم تقریباً 14-15 سال است که در یک محله ای که زندگی می کنیم نه تعویض خونه داشتیم نه تعویض اجناس داخل خونه داشتیم.

مهمان: 15 سال است که میل هامون همان است اگر خانه ما تشریف بیارید می ببیند همون را عوض نکردیم، یخچال ها همونی که از جهیزیه خانم دکتر آورده بود همون را استفاده می کنیم.

مجری: شما آقای دکتر علاوه بر ویزیت رایگان و جراحی های رایگان انجام می دهید در زمینه های دیگر هم من شنیدم کارهای خیر می کنید مثلاً در بحث آزادی زندانیان بوده دانش آموزان استثنایی بوده.

مهمان: خدا را شکر با انجمن حمایت از زندانیان اومدن پیش من قرارداد بستیم، ویزیت همه خانواده هاشون بچه هاشون بعلاوه که من گفتم عینک شان را هم من تقبل می کنم یک قرار هم بستیم که هر زندانی در استان مان باشد بچه اش و یا خودش معلول باشد به من اطلاع بدهند که چنین فردی هست و من آزادشان کنم.

مجری: آقای دکتر شما یک کار خیلی به نظرم ارزشمندی کردید فکر کنم برای اولین بار بود عمل کردن چشم اسب، سنجاب و طوطی این ها چی بود ماجراش؟

مهمان: سنجاب عمل کردیم، اسب عمل کردیم و خروس عمل کردیم خیلی جالب بود خروس 5 ساله عمل کردیم.

مجری: چرا این کار را کردید یادم هست اخبارش در دنیا هم سر و صدا کرد یعنی در شبکه های خارجی هم پرداختند به این موضوع.

مهمان: به هر حال یک کمکی است که می توانیم به اون حیوان بکنیم.

مجری: شد به این فکر کنید شما پزشک همسرتان پزشک برید خارج از کشور و در آنجا کار کنید با درآمد ارزی.

همسر مهمان: به نظر من کل افرادی که دارن از کشور خارج می شود به علت هر شرایطی حالا زندگی بهتر اقتصاد سخت تر و یا کار کمتر دارن به کشور لطمه می زنند باید بمانند، باید بمانند کمک کنند بسازند کشور پیشرفت کند با رفتن از کشور هیچ چیزی عوض نمی شود و هیچ چیز بهتر نمی شود باید بمانیم کمک کنیم تحقیقات انجام بدهیم دانش کشور را ببریم بالا تا حرفی برای گفتن داشته باشیم.

مجری: آرزوی شما امروز چی هست خانم دکتر؟

همسر مهمان: آرزوی امروز من خیلی نزدیک باشه ریشه کنی کرونا هست.

مجری: الهی آمین. شما آقای دکتر آخر برنامه بدون تعارف ترین جمله تان؟

مهمان: من از مردمان تشکر می کنم شاید بعضی از موقع ها فشار کاری باعث شده با یکی بد رفتاری کنم ناراحت بشن مریض زیاد بود از آنها طلب حلالیت می کنم.

مجری: خیلی خوشحال شدیم که خدمت شما بودیم ممنون.